



فارسی قمی

حمید حسنی

فارسی قمی، علی‌اشرف صادقی، باورداران، قم ۱۳۸۰، ۱۵۷ صفحه.

فارسی قمی، علاوه بر پیش‌گفتار و مقدمه، شامل واژه‌نامه، فهرست برخی ضرب‌المثل‌های قمی، و بخش لغات کرم‌جگانی است.

مؤلف، در پیش‌گفتار، به علاقه خود به گردآوری مواد کتاب از چهل و اندی سال پیش، یعنی از سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ که در دوره دوم دبیرستان سرگرم تحصیل بوده، اشاره کرده است.

در مقدمه، قدیم‌ترین نمونه‌های فارسی قمی درج و ویژگی‌های آوایی آن ذکر شده است. دکتر صادقی، استاد زبان‌شناسی در دانشگاه تهران، که در گویش‌شناسی و گویش‌های ایرانی سابقه ممتد مطالعاتی دارد، به روشی علمی درباره نظام آوایی فارسی قمی، با ذکر مثال‌های روشن به بحث پرداخته است. در پایان مقدمه، به اختصار، به پاره‌ای ویژگی‌های صرفی و نحوی فارسی قمی اشاره شده است.

در «واژه‌نامه»، که بخش اصلی کتاب است و حدود ۱۲۰ صفحه به آن اختصاص داده شده، واژه‌های قمی به ترتیب الفبا و با توضیحات نسبتاً مختصر فهرست شده است. فارسی قمی، بی‌تردید در پژوهش‌های گویش‌شناختی بسیار مفید خواهد بود و ما انتشار آن را به فال نیک می‌گیریم.

نگارنده، هنگام مرور واژه‌نامه فارسی قمی، میان بعضی از لغات مندرج در آن و برخی عناصر لغوی کُردی، از لحاظ ساخت و آوا مشابهِت‌هایی دید که برای مزید فایده فهرست آنها را ذیلاً عرضه می‌دارد^۱:

(۱) ممکن است شمار زیادی از لغات مذکور، به‌جز کُردی و قمی، در گویش‌های ایرانی (به‌ویژه گویش‌های

کُردی	قمی
'âwɾût k•rd•n	آبرود کردن
ˈibrat	اِبَرِه (بسیار زشت و بدقواره)
'ambâna / hawâna	اَمبُونِه
hanjând•n / hanj•nîn / 'anj•nîn	اَنجُونَدَن، اَنجیدَن
hanj•r. -hanj•r.	اَنجِه اَنجِه
hawsâr / 'awsâr	اوسار
bâyya / bâdiya	بادیه
bâlûka (زگیل)	بالوک، بُلوک
bôrân	بورون، بوران
bê-γîrat	بی غیرت (bî-qîrat)
b•r. ka-b•r. ka	پرکه پرکه
pasak / pastak	پَسَک
p•št	پَشت (در «پَشت بون»؛ تلفظ پایین شهر قم)
p•škal.	پَشگَل
mêša-kwêra ۲	پَشه کوره
p•ntî / pîntî	پِنتی
pûš (گیاه خشک بیابانی)	پوش
pânâyî	پهنایی، پهنّا
tâšîn	تارشیدن
târând•n	تاروندن
tamâta	تَماتِه
tandûr / tanûr	تندور (در «تندور خشک»)
jêgâ / jêga	جِگا (در «جَگّا»)
j•l-û-jê	جُل (و) جا
čâl (با کاربرد وصفی: این حوض خیلی چال است)	چال
čâlâ-qursî	چال کرسی
čak	چَک

→ مرکزی و غربی) نیز وجود داشته باشند. مراد از کُردی، گویش‌هایی از این زبان است که در مغرب ایران و مشرق عراق به آنها تکلّم می‌شود.
۲) mêš در کُردی به معنی «مگس» است.

قمی	کُردی
چیلِه، چیلیکِه	čîla / čîlka
حاجی‌لیک	hâjî-lalaq / hâjî-laqlaq
خاک و خُل	xâk-û-xôl ^۳
خامه	xâm (تاب‌نخورده؛ میتقال)
خورد شدن در چیزی	wurdaw bûn (در گویش سنندجی)
دال	dâl
دامبک	d•mak / d•mbak
دَس و پِل	das-û-p•l / dast-û-p•l)
دشمناتی	dužm•nâyatî / dušm•nâyatî ^۴
دوگمه	dûgma
دیزه	dêza
دیم	dîm ^۵
رود	rôl•a
ریش چَرَمه	riš-čarmû / riš-čarm•g ^۶
زرت	z•r•ta
زردینه	zardêna ^۷
زُل و زَنده	z•l-û-zînû
زنجیر، زنجیل	z•njîr / z•njîla
زولوبیا	zulûbiyâ
ساج	sâj
ساز	sâz ^۸
سَکو	sakô
سیسَلک	sîs•rk

(۳) xôl، به‌تنهایی نیز، در کُردی به‌معنی خاک است.

(۴) -atî در کُردی پسوندِ حاصل‌مصدرساز است؛ مانند yaki-yati به‌معنی «اتحاد و یگانگی».

(۵) dîma-šôra به‌معنی «سفیداب» (روشور) است.

(۶) čarmû و čarm•g در سنندجی مطلقاً به‌معنی «سفید» است.

(۷) zardêna-hêlka نیز گفته می‌شود. hêlka-y dû-zardêna به‌معنی «تخم دوزرده» است.

(۸) در احوال‌پرسی، عبارت kayf-•t sâz-a? یعنی «سرِ حالی؟»، «سرِ کیفی؟».

کُردی	قمی
s•piyêna ^۹	سفیدینه
šî bûnawa	شیت شدن
šî k•rdnawa ^{۱۰}	شیت کردن
tanâf	طناف
ÿîrat	غیرت (qîrat)
qabz bûn	قبض شدن
qul̥t lê-dân / qul̥t x•st•n ^{۱۱}	قل زدن
qâmîš / qamîš (نی)	قَمیش
qut / qût	قود
qîč (ویژگی کسی که یکی از چشمانش کوچک‌تر است)	قیچ
kâlîska / gâlîska	کالیسکه
k•p	کپ
kas•l	کَسِل
kašiya / kašîda	کَشیده
kul	کُل، کُله
qul̥t ^{۱۲}	کُل (در «کُل زدن»)
qul̥îŋg / qul̥îŋ	کُلینگ
k•l̥âš	کَلُوش (نوعی گیوه)
p•šîla-šôr k•rd•n	گر به‌شور کردن
g•štî	گِشتی (در «گِشتی و بانی (بالی)»)
mât•l / maḥtal	ماتَل
m•r̥ ŋyâw	مِرَنُو
maḥham / malham	مَلْهَم
malîč•k	میلیجک
naxôš	ناخوش
wardêna	وردینه

(۹) s•piyêna-hêlka نیز گفته می‌شود.

(۱۰) šî bûnawa و šî k•rdnawa فقط در مورد پنبه و پشم به کار می‌رود.

(۱۱) lê-dân (مصدر پیشوندی): «زدن»؛ x•st•n (مصدر بسیط): «انداختن».

(۱۲) kul نیز در کُردی، بن مضارع kulîŋ و kulân به معنی «پختن» (مصدر لازم) است.

کُردی	قمی
hêr•š	هیرش ^{۱۳}
hâw-îîš	همریش
hanâsa	هیناس
hâwâr k•rd•n	هوار کردن

فهرست اهمّ منابع

بابان، شکرالله، فرهنگ فارسی-کُردی، بی‌جا، بی‌ناشر، ۱۳۶۱؛
 خال، محمد، فرهنگ‌نگی خال، عراق، سلیمانیّه، وزارت معارف، ۳ مجلد، ۱۹۶۰-۱۹۷۶؛
 ذبیحی، عبدالرحمان، قاموسی زبانی کوردی، ارومیه، صلاح‌الدین ایوبی، جلد اول (ء - ب)، ۱۳۶۷؛
 شرفکندی، عبدالرحمن (هه‌زار)، هه‌بانه بۆرینه، تهران، سروش، ۲ مجلد، چاپ اول، ۱۳۶۸-۱۳۶۹؛
 صفی‌زاده بۆره‌که‌یی، صدیق، فرهنگ ماد، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۲ مجلد (ء - ب)، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۹.

Jaba, M. Auguste, *Dictionnaire kurd-français*, Saint-Petersbourg, [published by] M. Ferdinand Justi, 1879; Wahby, Tawfiq & Edmonds, C. J., *A Kurdish-English Dictionary*, GB, Oxford, 1966.

